

# ویرانگری زیست محیطی و سیاست اتمی ایران

جلال ایجادی



بدنبال انتشار گزارش تازه آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره سیاست اتمی ایران و افشای اهداف نظامی جمهوری اسلامی در این زمینه، سازمان ملل به طرح مجازات های جدید علیه رژیم ایران دست زد و کشورهای غربی یکسری اقدام های عملی را در دستور کار قرار دادند. انگلیس و کانادا و آمریکا و فرانسه تحریم های مالی و اقتصادی خود در زمینه پتروشیمی و انرژی را آغاز کردند. رهبران غرب امر بلوکه دارائی های بانک مرکزی ایران و توقف کامل صادرات نفتی ایران را به بحث و پیشنهاد گذاشتند تا به رژیم خامنه ای بفهمانند که سیاست سختگیرانه ای در حال تنظیم است.

بموازات این اقدامات پارلمان اروپا نیز به فشار بیشتر علیه دولت ایران روی آورد و خواهان ارسال یک هیات نمایندگی به ایران شد تا در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی و زیست محیطی از نزدیک مسائل را مورد بررسی قرار دهد. برنامه سفر هیات نمایندگی در ۲۷ اکتبر با عدم صدور روادید توسط حکومت اسلامی لغو گردید. کمیسیون ایران و اروپا تحت ریاست خانم تاریا کرونیبرگ از اعضای احزاب سبز اروپا رئیس این کمیسیون بتاريخ ۸ آذر ۱۳۹۰ مطابق ۲۹ نوامبر ۲۰۱۱ اقدام به برگزاری یک نشست با تعدادی از نهادها و شخصیت های ایرانی و بین المللی دست زد. هدف این نشست تبادل نظر و مطلع شدن از وضعیت ایران در زمینه حقوق بشر، زنان، روزنامه نگاران، اقلیت های قومی و مذهبی، سیاست اتمی و وضعیت زیست محیطی بود. درچنین شرایطی بود که از موضع استیصال و درماندگی، با دستور خامنه ای حمله باندهای بسیجی و پاسدار به سفارت انگلستان در قلهک صورت میگیرد و بلافاصله این اقدام موجی از واکنش های شدید بین المللی را بدنبال داشت. شورای امنیت سازمان ملل، کشورهای انگلیس، آمریکا، فرانسه، وحتا روسیه و چین نیز با اعتراض دست زدند. پارلمان اروپا نیز این اقدام را مخالف قواعد دیپلماسی تلقی کرده و آنرا محکوم نمود و خانم تاریا کرونیبرگ مسئول کمیسیون اروپا و ایران در ابتدای نشست مسائل ایران، علیه این حمله اعتراض نموده و آنرا محکوم کرد.

در این نشست هریک از سخنرانان در زمینه تخصصی خود ابراز نظر نمود و من نیز بعنوان دانشجوی و متخصص زیستبوم در دومورد اساسی، ویرانگری زیستبومی در ایران و سیاست اتمی حکومت اسلامی، دیدگاه خود را مطرح نمودم. نکات برجسته سخنرانی من چنین بود:

با سپاس فراوان از پارلمان اروپا و خانم تاریا کرونیبرگ رئیس کمیسیون ایران و اروپا، خوشحالم که فرصتی یافتم تا مسائل حادی چون ویرانگری زیست محیطی و سیاست اتمی جمهوری اسلامی را در این پارلمان مطرح نمایم. در ایران زندگی انسانها در خطر دائم است، آزادی پیوسته منکوب میشود، حقوق بشر هم از نظر سیاسی و هم از جهت زیست محیطی پایمال میگردد. داشتن زندگی سالم در زیستگاه سالم حق هر فرد است و علیرغم اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی این اصل را برسمیت میشناسد ولی در کردار و مداوم زیستبوم ایران مورد هجوم رژیم موجود است. سیاست حکومتی در تناقض با محیط زیست سالم میباشد و جامعه ما در دوران این رژیم منابع طبیعی و فرهنگی بسیاری را ازدست داده است. بعنوان نمونه دریاچه ارومیه در شمال غربی ایران دستخوش یک بحران جانفرسای اکولوژیکی است. این دریاچه شش هزار کیلومتری طی ۱۵ سال اخیر ۶۰ درصد سطح آبهای خود را ازدست داده و اگر اوضاع به همین صورت ادامه پیدا کند تا سه سال دیگر از بین خواهد رفت. این وضع ناگوار ناشی از عوامل زیر است:

- ایجاد بیش از سی سد و تعداد بسیاری چاه عمیق در اطراف این دریاچه بمنظور استفاده از آب جهت فعالیت کشاورزی و مصرف صنعتی. زرينه رود که ۴۵ درصد آب مورد نیاز دریاچه را تامین مینمود با سیزده سد بروی آن، دیگر به دریاچه وارد نمیشود.

- ایجاد جاده میانگذر برای خودروها و برای راه آهن جهت وصل نمودن ساحل شرقی به ساحل غربی. این طرح تعادل دریاچه را بهم ریخته و دریاچه به دو قطعه تقسیم کرد.

- وارد کردن آبهای آلوده و پساب های صنعتی به دورن دریاچه با اجازه مقامات دولتی. این پساب ها آلودگی و بحران دریاچه شدت بخشید.

دریاچه ای که بیش از سی هزار سال قدمت دارد در حال مردن است و دولت کوچکترین اقدام در جهت حفظ آن نکرده است. دولت پیوسته از هرگونه تخصیص بودجه جهت بهبود وضع ممانعت نموده است. اقدام حکومت جهت خشک کردن دریاچه اقدامی است که نزدیک سی سال ادامه دارد. برآستی

از خود میتوان پرسش نمود چرا حکومت برای نابودی دریاچه کمر همت بسته است؟ برخی از رسانه برآنند که در کف این دریاچه معادن اروانیوم وجود دارد و از آنجا که رژیم خواهان دستیابی بدان است ، آگاهانه در پی خشک نمودن دریاچه ارومیه میباشد. طی این دوران تخریبی هرگونه نظردهی و هشدار متخصصان و طرفداران محیط زیست پیوسته نادیده انگاشته شده است و فعالین و مدافعان محیط زیست دریاچه ارومیه مورد سرکوب قرارگرفته اند.

امکان نجات دریاچه هنوز موجود است و اروپا میتواند کمک کند و با درخواست یک کنفرانس بین المللی در ایران به حکومت فشار وارد آورد تا با بازنمودن سدها از فشار روی دریاچه کاسته شود. بیش از چهل سال است که ایران کنوانسیون رامسر را امضا نموده و دریاچه ارومیه در لیست مورد توجه کنوانسیون قراردارد. یونسکو و اروپا و فعالان و متخصصان ایرانی باید بتوانند به همکاری دست زده و سیاست خرابکارانه دولت را متوقف کنند. ویرانی قطعی این دریاچه یک تراژدی اجتماعی و زیست محیطی برای میلیونها انسان میباشد.

ویرانگری زیست بومی را نیز در سایر نقاط ایران میتوان مشاهده کرد. زاینده رود که بطول ۳۵۰ کیلومتر میباشد بدنال مدیریت نادرست مسئولان در بخش شرقی خود خشک شده و تولید و زندگی اقتصادی تعداد بیشماری از کشاورزان اصفهان نابودشده اند. هزاران شکایت توسط کشاورزان بدادگاه اصفهان تسلیم شده است و آنها خواهان حقوق و حقا به خویشند. اخیرا زیر فشار مردم مقدار کمی از آب پشت سدها به جریان افتاده است و در واقع قصد رژیم فقط نرمش و عقب نشینی دریک دوره کوتاه است. حال آنکه اصفهان خواهان آنست تا دوباره آبها زیر پل ها رها شود و به سیاست سراپا اشتباه دولت پایان داده شود. تالاب گاوخونی نابود شده است، تالاب انزلی در بحران اکولوژیکی عمیقی بسر میبرد، دریاچه بختگان خشک شد، کارون بحرانی است و دریای مازندران بطور شدید آلوده است، جنگل ها تخریب میشوند، در پروژه های دولتی هربارهزاران درخت قطع میگردد، بیودیورسیت و میراث طبیعی ایران بطور جدی تهدید میشود. نتیجه این خرابی ها ضربه به زیستبوم و سلامتی انسانها میباشد.

جنبه دیگر صحبت من در باره سیاست اتمی حکومت اسلامی است. این سیاست ، سیاستی ماجراجویانه، بحران زا، و در برابر سیاست مسالمت آمیز است. مردم ما اتم نمیخواهند، این پروژه میلیاردها دلار را در خود بلعیده است و یک پروژه خطرناک است. در ایران آزادی نظر موجود نیست تا شهروند ایرانی نقد و نظر خود را آشکارا بیان کند. توسعه

سیاست اتمی از نظر اقتصادی اشتباه محض است، برای کشوری که سیصد روز آفتابی دارد و منابع فسیلی بیشمار در آن وجود دارد. هدف رژیم اسلامی هدف سیاسی و نظامی است و او خواهان دسترسی به بمب اتم است. امری که بزیان منافع مردم ایران و امر صلح میباشد.

باید در جهت خلع سلاح عمومی در جهان اقدام شود و در منطقه هیچ سلاح اتمی موجود نباشد و ایران از این مسیر باید خارج شود. اروپا باید سیاست قاطع و روشن نسبت به رژیم حاکم داشته باشد. مداخله نظامی در ایران درست نیست. ولی فشار مالی و مجازات اقتصادی نفتی و نیز فشار روی مسئولان سیاسی و نظامی این رژیم درست است. این واقعیتی است که ۸۰ درصد بودجه ۳۵۰ میلیارد یوروای ایران متکی بر درآمد نفتی است. اگر شرکتهای نفتی غربی نفت ایران رانخرند، رژیم ایران به نفس میافتد.

متأسفانه این شرکتهای منافع خود را بر مسائل حقوق بشری در ایران ترجیح میدهند. اتحادیه اروپا باید سیاست قاطع نسبت به رژیم ایران داشته باشد، اما متأسفانه منافع گوناگون کشورهای اروپائی مانع یک سیاست یگانه و قدرتمند است. پارلمان اروپا میتواند به مردم ایران مدد برساند، حمایت از دمکراسی خواهی و فعالان حقوق بشر و نیز حمایت فعال از طرفداران زیستبوم یک وظیفه بین المللی است. خانم رئیس از توجه شما سپاسگزارم.

جلال ایجادی، استاد دانشگاه

۴ نوامبر ۲۰۱۱ پاریس

[idjadi@free.fr](mailto:idjadi@free.fr)

« Intervention d' Didier Idjadi, au parlement européen sur la destruction écologique et le programme nucléaire en Iran », novembre 2011.